

ویروس کرونا، ویروس مذهب، ویروس سرمایه!

صفحه ۴

سیاوش دانشور

کمونیست می پرسد،

در باره انتقال آخوندها به شهرهای مختلف ایران

عبداله دارابی

اعلامیه حزب در باره روز جهانی زن

فاجعه کرونا: بازیابی سلامت جامعه اصل است!

گفتگو با رحمان حسین زاده

کرونا چاقویی دو لبه!

صفحه ۱۰

آذر ماجدی

در باره توافقنامه صلح میان آمریکا و طالبان

صفحه ۱۰

سعید یگانه

آزادی ۵۴۰۰۰ زندانی

زندانیان سیاسی و دستگیرشدگان آبانماه باید فوراً آزاد شوند!

متحد و متشکل علیه فقر و دستمزد زیر خط فقر به میدان آییم!

تراکتهای حزب در باره
فاجعه کرونا در ایران

مرزها، ناسیونالیسم، حقوق انسانی
مرزها را باز کنید، این زمین به همه تعلق دارد!
سیاوش دانشور

۵۳۳

مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۱۶ اسفند ۱۳۹۸ - ۶ مارس ۲۰۲۰

کار را متوقف می کنیم!

آینده از آن ماست،

دستجمعی خودکشی

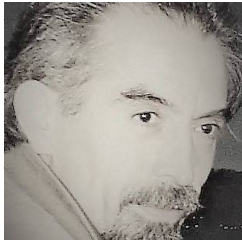
نمی کنیم!

کار را تعطیل کنیم. خانه بمانیم و سر کار نرویم. ما کارگران و کارکنان اسیر فقر و فلاکت ایم، اما دستجمعی خودکشی نمی کنیم. وضعیت ویژه نیازمند اقدامات ویژه است. در اوضاع کنونی، سازمان کار جامعه باید حداقلی، اورژانسی و پاسخ به نیازهای ضروری باشد. ما کارگران مراکز تولیدی و کارکنان مراکز اداری و خدماتی، بدون تست مرتب و بدون برخورداری از نیازهای پزشکی حاضر نیستیم در محلهای کار حضور پیدا کنیم. دولت و کارفرمایان متعهد و موظف به تامین نیازهای ضروری، پرداخت حقوق ها، تامین سلامت و بهداشت محیطهای کار هستند. کار را متوقف می کنیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



ویروس کرونا، ویروس مذهب، ویروس سرمایه!

سیاوش دانشور

مختلف از علم پزشکی و محیط زیست تا اجتماع و مناسبات اقتصادی و فرهنگ و سیاست برجاست، کشمکش اجتناب ناپذیر است.

ویروس مذهب

اگر شناخت ویروس و کنترل آن در طبیعت کار علم پزشکی است، تقابل با ویروس مذهب امر مبارزه اجتماعی و طبقاتی است. ویروس کرونا علیرغم تلفات انسانی، پانیک و نگرانی عمومی و مشقاتی که بوجود آورد، اگر فعلاً از تأثیرات آنی و آتی اش بر اقتصاد جهان بگذریم، لاقلاً این خاصیت را داشت که دستگاه مذهب و صنعت دین را بی آبروتر از هر زمانی کرد. کرونا بنا به گفته پزشکان و ویروس شناسان محصول یک جهش و موتاسیون ژنتیکی است اما کارکرد مذهب در این مورد مشخص نیز به یک جهش و موتاسیون در آگاهی عمومی از بی خاصیتی دکان مذهبیون از مسیحیت تا اسلام کمک کرد. فاجعه ای که کرونا در کره جنوبی خلق کرد اساساً محصول عملکرد یک سکت مذهبی مسیحی است. "لی من هی" که خود را نسخه دوم "ظهور عیسی مسیح" معرفی میکند، رهبر و بنیانگذار یک فرقه مسیحی و کلیسائی است که نه فقط از تست اعضای فرقه جلوگیری کرده بلکه دستجمعی در مراسم مذهبی در شهر دنگو شرکت کردند، ویروس را به هم منتقل و بعد به نقاط مختلف کره جنوبی سفر و ویروس را پراکنده کردند. "لی من هی" نسخه کره‌ای سعیدی امام جمعه قم و خاتمی امام جمعه مشهد و امثال تیریزیان مدعی بنیانگذاری "طب اسلامی" است که اینروزها مسخره خاص و عام شده است. "لی من هی" لاقلاً زیر فشار سر به زمین سائید و عذرخواهی کرد اما آخوند دایناسورهای حاکم در ایران و در راس آنها خامنه‌ای، در جایی که خودشان هفت سوراخ قایم شدند و مناسک نماز جمعه و تجارخانه امام زاده‌ها را تعطیل کردند، وقیحانه به مردم پیام میدهد که "دعا بخوانند" و "با خدا حرف بزنند!"

در ایران تنها وقتی فاجعه از کنترل خارج شد و چند مفتخور حکومتی روضه خوان بدلیل ابتلا به کرونا سقط شدند، تن به تعطیلی مراکز تجمع و نهادها و محیطهای آموزشی و آزادی بخشی از زندانیان دادند. جمهوری اسلامی آگاهانه برای تظاهرات دولتی ۲۲ بهمن و مضحکه انتخابات و با توسل به همین چرندیات اسلامی علیه مردم دست به جنایت زد. همزمان با احتکار ماسک و دستکش و مواد شوینده بدنبال پر کردن جیب های گشادشان بودند. آنها وقتی نفرت بی حد و حصر مردم را دیدند، "قهرمان" داستان شدند و در روزی نامه هایشان مسابقه گذاشتند تا اخبار "کشف" انبارهای احتکار چند ده میلیونی ماسک و دستکش و مواد بهداشتی را منتشر کنند. اما هنوز داروخانه ها آگهی میزنند که ماسک نداریم، الکل نداریم، دستکش نداریم! از این دست به آن دست میرود و وزیر بهداشت میگوید "حریف صاحبان مواد بهداشتی نمیشوم" و دولت میگوید "کش ندهید!! جمهوری اسلامی و آخوندهای مفتخور با عملکرد جنایتکارانه و حرفهای بیشتر جنایتکارانه و نمایشهای "من هم کرونا" صفحه ۳

دسامبر ۲۰۱۹ ووهان چین، جهان با وحشت شیوع کروناوی جدید (کووید ۱۹) nCoV-2019 روبرو شد. زمان زیادی نمیگذرد که این مهمان ناخوانده سال نو شهرها و کشورها و مرزها را درنوردید، همه جا زنگها بصدا درآمدند که یک پاندمیک و همه گیری در راه است. هنوز علم پزشکی علیرغم تلاشهای بیوقفه ای که در جریان است موفق نشده است مقابل این وحشت عالم گیر سدّی ببندد و بر آن فائق شود. کروناوی جدید در مقایسه با "سارس" و "مرس" بسیار کشنده تر بوده است. تا تاریخ سوم اسفند، در سراسر جهان شمار مبتلایان به ۹۰۹۱۴ نفر رسید و از این تعداد بیش از ۳۱۱۴ بیمار در اثر ابتلا به این ویروس جان خود را از دست داده‌اند.

هنوز دنیا درگیر کرونا است که بنا به گزارش dailymedicalinfo تاکنون دو هزار نفر از شهروندان محروم کشور اتیوپی به دلیل ابتلا به یک ویروس دیگر جان خود را از دست داده اند. "مبتلایان به این ویروس ابتدا سفیدی چشم شان به رنگ زرد تغییر میکند، کف دستانشان نیز زرد می‌شود، پس از مدتی چشم، دهان و بینی این افراد خونریزی کرده و به بی‌خوابی و بی‌اشتهایی مبتلا شده و پس از آن می‌میرند". گزارش اضافه میکند؛ "این علائم برای اولین بار در میان ساکنان روستایی در نزدیکی یک پروژۀ گاز طبیعی دیده شد. این پروژۀ را یک شرکت چینی در منطقه متعلق به سومالی در خاک اتیوپی اجرا می‌کند. در روزهای گذشته تعداد زیادی از افرادی که در نزدیکی این پروژۀ زندگی می‌کنند، دچار این علائم شده و جان باخته‌اند. از این شرکت اکتشاف و حفاری نفت و گاز طبیعی به عنوان مرکز انتشار این بیماری یاد شده، به ویژه اینکه پسماندهای شیمیایی این شرکت آب شرب منطقه را آلوده کرده و این سموم می‌تواند در فصل بارش باران بیشتر هم شود".

اگر از ویروس‌های آزمایشگاهی و بیوتروریسم فعلاً بگذریم، وجود ویروس در طبیعت امری عادی است. ویروس‌های موجود در طبیعت نه قابل دیدن هستند و نه هیچ بیولوژیست و ویروولوژی از وجود آنها اطلاع دارد. این تنها سیستم دفاعی بدن انسان و عکس العمل آنست که حضور ویروس را آشکار میکند و علم پزشکی به وجود و ساختمان ژنتیکی ویروس پی میبرد، واکسن آنرا میسازد و سیستم دفاعی و ایمنی انسان بعد از دوره‌ای با تولید پادتن و آنتی بادی در مقابل آن مقاوم و مصون میشود. کرونا نیز علیرغم وحشت و فاجعه ای که در جهان آفریده، نهایتاً با همین سرنوشت روبرو میشود. اطلاعات از کرونا هنوز کامل نیست و علم همواره با جدال برای شناخت دنیاها و ناشناخته روبرو است. در تحلیل نهائی این ادامه داستان کشمکش انسان و طبیعت و تلاش برای شناخت عرصه‌های ناشناخته و ناموزون و ایجاد هارمونی بین انسان و طبیعت است. طبیعتی که باید انسانی شود و انسانیتی که باید طبیعی شود. مادام که این تناقض در قلمروهای

مرگ بر جمهوری اسلامی!

ویروس کرونا، ویروس مذهب،

ویروس سرمایه ..

گرفتم"، آنچنان نفرتی را بجان خریدند که بعد از کرونا و برآمد مجدد اعتراضات توده‌ای و کارگری، باید منتظر به آتش کشیدن و نابودی کل این بارگاه‌های جهالت و تجارتخانه‌های دین در ایران باشند. کل دستگاه مذهب در ایران در مقابل کرونا زانو زد، مفتضحانه شکست خورد، بی‌خاصیتی اش بر همگان ثابت شد، معلوم شد که کل این امامان و دستگاه عریض و طویل مفتخوری و مناجات و روضه و گریه و عزا، زورش به یک ویروس هم نمیرسد، سهل است از وحشت آن فرار میکند. زکریای رازی به ریش همه‌شان خندید!

در ایتالیا نیز پاپ فرانسیس، "رهبر مسیحیان کاتولیک جهان"، بعد از مقداری توصیه دعا خودش قایم شد، با بهانه سرماخوردگی "مراسم اعتکاف" را لغو کرد و شایع شد پاپ هم کرونا گرفته است. معلوم شد در جریان ویروس کرونا خدا و "نشانه" های خدا بر روی زمین، همه مُرده اند، کلاسانی زمینی اند که بدست جنس دوپا ساخته و پرداخته شدند. انسان ناتوان از درک شرایط مادی خویش همیشه در پی پرسش و ستایش مخلوقی در ورای خویش است. انسانی که قادر نیست راهی برای تحقق آرمانهای بشری و زمینی اش پیدا کند، بناچار و ناگزیر، آن را در دنیای بعد از مرگ جستجو میکند. انسان بدون آرمان انسانی مُرده است و مذهب مخدوری برای سرپا نگهداشتن آزمایشگاهی این مُرده است. مذهب راهی برای زنده نگهداشتن بشریتی است که از آرمانخواهی و حرکت جمعی و فردی برای تغییر وضعیت موجود تهی شده است. در تاریخ واقعی همیشه مذاهب چهره‌ای زمینی داشته‌اند. برخلاف تصویر قلابی "آسمانی و آن جهانی" مذاهب، و از آنجا که دقیقاً کاربردشان زمینی و این جهانی است، سَمبَلها و نمایندگانشان نیز بشدت زمینی اند: از محمد و عیسی و موسی تا پاپ و خامنه‌ای و بن لادن و طالبان، از تولیدهای آستان قدس رضوی و قم و تراستهای اقتصادی و اخادی تا واتیکان و مافیای یهودیت و دکان سه نیش بودیسم و صدها سکت دیگر، جلگی قرار است درد این جهانی انسان امروز را به امید جهانی بهتر بعد از مرگ تسکین دهند.

ویروس سرمایه

مذاهب هر سابقه سیاه و آدمکشی در تاریخ مکتوب بشر داشته است، دلیل وجودی اش هر نیاز واقعی و غیر واقعی انسان محکوم و منکوب شده بوده است، در عصر سرمایه داری دستگاه توجیه وضع موجود و یک رکن مُهم حاکمیت و سلطه سرمایه داری است. اینها وجود دارند و هر روز از قیل مالیات و کار طبقه کارگر ارتزاق میکنند تا توجیه گر وضع موجود و مناسبات بشدت خشن و کثیف سرمایه داری امروز و در هم شکستن مقاومت بیوقفه و مبارزه کارگر و انسان معترض باشند. دنیای امروز مملو از آخوند و کشیش و خاخام و روشنفکر بورژوا و سیاستمدار و سخنور و اساتید مجیزگوی سرمایه و هنرمند و اقتصاددان‌هایی است که شغلشان اینست که به توده عظیم مردم کارگر،

"طبیعی بودن" و "چاره ناپذیری" موقعیت فرودست و محرومیت انسان امروز را بقبولانند.

این خیل ضروری‌اند چون در دنیای مملو از مشقت امروز مقاومت وجود دارد، مبارزه وجود دارد، گردن نگذاشتن به فعال مایشانی سرمایه وجود دارد، کشمکش طبقاتی و مبارزه کارگری وجود دارد. اینها ضروری‌اند دقیقاً به این دلیل که میلیاردها انسان این وضعیت و این تصویر وارونه از خود را نمی‌پذیرند و هر روز و به اشکال مختلف در مقابل آن قد علم میکنند. حتی وقتی ویروس جامعه را تهدید میکند، ناچارند ارتش و یگان ویژه را برای "سرکوب کرونا" بمیدان بیاورند، مقابله با ویروس کار بهداشت و کادر پزشکی است چه نیازی با نفربر زرهی و سرکوبگران تا دندان مسلح دارد! اینها چیزی جز واکنش و وحشت بورژوازی به مقاومت و مبارزه کارگری و اعتراض اجتماعی نیستند. اینها ویروس سرمایه اند که دنیائی را به اسارت و انقیاد کشیده اند تا از منافع و امتیازات سیاسی و اقتصادی عده بسیار قلیلی مفتخور و استثمارگر و بی‌خاصیت دفاع کنند.

بورژوازی در بخش اعظم جهان و بدرجات مختلف حق سلامتی و حق حیات را به مالکیت و داشتن امکانات گره زده است. بورژوازی حق سلامتی را از حقوق غیرقابل انکار و غیرقابل بحث شهروندان به امتیاز طبقات دارا و به کالا در بازار بدل کرده است. بورژوازی برای درهم شکستن اعتراض کارگر و در تقابل با خواست برخورداری از بخشی بسیار ناچیزی از ثروتی که خود کارگران تولید کرده اند، قشون و نیروی سرکوب و ضد شورش و پلیس وحشی و نهادهای امنیتی سازمان داده است. طب خصوصی و نظام سلامت مبتنی بر کُلفتی کیف پول و میزان حساب بانکی، یعنی دور انداختن انسان بیمار، یعنی بی‌خاصیت اعلام کردن و تاریخ اکسپایر زدن به زندگی و سلامت بخش اعظم جامعه یعنی کارگران و محرومان. یعنی برخورداری دیناسورهای صنعت دین در ایران از تیم پزشکی خصوصی در بیمارستانهای مُجلل و یا آوردن بیمارستان به منزل و ویلا و پنت‌هاوس حضرات، یعنی کشتار محرومان در سکوت و مانند خامنه‌ای ال‌دنگ حواله‌شان به خواندن دعای "صحیفه سجادیه"! در مقابل این شناخت سرمایه و این نظم مملو از چرک و خون است که کارگر مقاومت میکند، مبارزه میکند، آزادی می‌خواهد، جلوی تیر می‌رود، اعتصاب و اعتراض میکند، لنگر تمدن و انسانیت و حقوق و رفاه همگانی میشود. اگر برای علاج ویروس کرونا و ویروسهای طبیعی باید علم پزشکی فکری بکند، و نهایتاً خروجی همین دستاورد هم با سد شرکتهای مولتی‌ناشنال داروسازی و بازار مواجه میشود، مبارزه طبقاتی برسر نفی ویروس نظام سرمایه داری و مناسبات مبتنی بر جنایت قانونی و سازمانیافته بورژوازی است. برسر بزیر کشیدن نظامی است که همه سلولهای آن در ضدیت با آرمان رهایی بشر، کمونیسیم، بافته شده است.

هر میزان بورژوازی و نحله‌های مختلف آن در پس هر بحران و جنگ و معضل اجتماعی جنایت کنند و فقر و فلاکت و شکاف طبقاتی را تعمیق کنند، آنسوی معادله این واقعیت عظیم است که هر روز میلیونها انسان چشم به جهانی می‌گشایند که بعد از چند صباحی بنا به موقعیت اجتماعی و اقتصادی شان، بنا به مکانشان در تولید نیازهای بشر، ناچارند با قواعد بازی بورژوازی دریافتند. ناچارند نپذیرند و ناچارند مبارزه و مقاومت در اشکال مختلف سازمان دهند. مادام که این وضعیت صفحه ۴

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آزادی ۵۴۰۰۰ زندانی

زندانیان سیاسی و دستگیرشدگان آبانماه باید فوراً آزاد شوند!

امروز سه شنبه ۱۳ اسفند جمهوری اسلامی ناچار شد ۵۴۰۰۰ نفر از زندانیان را با عنوان مرخصی موقتاً آزاد کند. غلامحسین اسماعیلی سخنگوی قوه قضائیه رژیم اسلامی گفته است که زندانیان قبل از آزادی تست کرونا شدند. کرونا در ایران به یک فاجعه تمام عیار بدل شده و شهرهای مختلفی در وضعیت اضطراری و قرمز قرار گرفته اند. زندانیان از امکانی هستند که بدلیل جمعیت زیاد زندانیان، کمبود حداقل امکانات بهداشتی و رفاهی میتواند به قتلگاه زندانیان بدل شود. این اقدام جمهوری اسلامی بدنبال فشار جامعه و خانواده های زندانیان صورت گرفته است.

در شرایطی که جمهوری اسلامی زیر فشار جامعه ناچار به آزادی موقت زندانیان برای جلوگیری از گسترش شیوع کرونا شده است، دهها نفر را بدلیل افشاکاری در باره پنهانکاری حکومت در مورد شیوع ویروس کرونا و قربانیان آن بازداشت کرده است.

هنوز وضعیت هزاران دستگیری آبانماه و زندانیان سیاسی ناروشن است. کلیه زندانیان سیاسی و دیگر زندانیان باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. در موقعیت ویژه کنونی که بیشتر نهادهای حکومتی هم ناچار شدند کار روزانه خود را تعطیل کنند، جمهوری اسلامی را باید وادار کرد که کلیه زندانیان سیاسی را آزاد و زندانیان را از زندانیان تخلیه کند. عده ای استدلال میکنند که تعدادی از زندانیان با پرونده های سنگین جنایت و قتل، حضورشان در جامعه خطرناک است و خواست آزادی آنها درست نیست. پاسخ ما اینست که مجرمین دارای حقوقی هستند. حقوق مجرمین را برای "قدیسین" ننوشته اند. سیاست ما در قبال اعدام هم همین است. اعدام باید لغو شود. زندانیان مورد اشاره که تعداد معدودی هستند، اولاً با خطر ابتلا به ویروس کرونا روبرو هستند و باید سلامتی شان تامین و تضمین شود. ثانیاً میتوان در امکان حفاظت شده آنها را نگهداشت. عمده زندانیان با جرائم عادی کسانی هستند که قربانیان فقر و بیکاری و مصائبی هستند که نظام کنونی بانی و مسبب آنست. سیاست درست در قبال زندانیان در این وضعیت ویژه اینست که زندانیان آزاد شوند و هیچ تقسیم بندی در این زمینه را به یک اصل ارتقا نداد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست مردم آزادیخواه و خانواده های زندانیان را به اعمال فشار برای آزادی فوری کلیه زندانیان و تامین و تضمین سلامتی آنها فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۳ اسفند ۱۳۹۸ - ۳ مارس ۲۰۲۰

ویروس کرونا، ویروس مذهب،

ویروس سرمایه ...

برجاست، مادام که استثمار فرد از فرد قانون اساسی بورژوازی و سود و انباشت سرمایه انجیل آنست، مبارزه و مقاومت، کشمکش طبقاتی، آرمان کارگری و راه حل کمونیستی طبقه کارگر دست از سر بورژوازی برنمیدارد. این مقاومت و مبارزه به اعتصاب در کارخانه محدود نمیشود، بلکه شامل تمام آن اشکال و قلمروهای مختلف در تمام منافذ جامعه و تمام دقایق مبارزه، قبول نکردن و نپذیرفتن و گردن نگذاشتن آشکار و پنهان یک طبقه بزرگ اجتماعی، یعنی طبقه کارگر و انتقاد کارگری به وضع موجود است.

اینروزها تعیین کننده بودند، دوستان و دشمنان مردم بیشتر شناخته شدند. مسئولیت اجتماعی در مقابل لاقیدی و پادروانی سیاسی بیشتر خود را نشان داد. همبستگی انسانی و نوعدوستی ستاره درخشانی بود که کثافت مال اندوزان و فرصت طلبان حکومتی و سرمایه داران انگل را جلوی چشم دنیا گذاشت. کرونا با تمام مشقات و دردهایش تمام میشود. بعد از کرونا طبقه کارگر و پرچم پراتیکی - انتقادی علیه وضع موجود، پرچم کمونیسم کارگری و راه حل سوسیالیستی طبقه کارگر، با نفرت و خشمی اشباع شده از نظم مدافع سرمایه و سرمایه دارانی که با جان میلیونها انسان در بدترین شرایط معامله کردند، با آخوندها و نکبت زاده هایشان، با دستگاه طفیلی مذهب که هزاران بار از هر ویروس دیگر برای سلامت جسمی و روانی جامعه مضر است، تعیین تکلیف قطعی خواهند کرد.

۵ مارس ۲۰۲۰



کلیه زندانی سیاسی بدون تعلل و

فورا آزاد باید گردند!

کمونست می پرسد،

بدنبال موجی از تبلیغات جنایتکارانه مذهبی و توصیه تجار مذهب به مردم برای دعا و زیارت بجای تامین امکانات پزشکی در تقابل با فاجعه شیوع کرونا، جمهوری اسلامی آخوندها و خانواده‌هایشان را به شهرهای مختلف ایران و مراکز خوش آب و هوا و اماکنی که تهدید کرونا کمتر است منتقل و از جمله در ویلاها و هتل‌های شیک اسکان داده است. ارزیابی شما از این سیاست چیست؟ در این اوضاع مردم آزادیخواه باید چگونه با این سیاست مقابله کنند؟

عبداله دارابی: شرح و بسط این تبعیض و این عملکرد ضد انسانی جمهوری اسلامی در حق مردم ایران را نباید ابتدا به ساکن و بی مقدمه پی گرفت، باید آنرا در بطن یک فاجعه انسانی در شرف وقوع توضیح داد که هر آن ممکن است در ابعاد باور نکردنی مثل بمب بترکد و به خطری جدی و سراسری برای جامعه ایران و جهان تبدیل شود. خبر انفجار یک فاجعه عظیم برای مردم ایران در راه است که هیچ کسی نمیتواند منکرش شود. حالا در برخورد به پدیده کرونا ویروس خیلی چیزها به هم آمیخته اند؛ چون رژیم حاکم بر ایران که در بدو ظهور این پدیده آنرا پنهان کاری کرد و بدین وسیله مردم را در باتلاق این ویروس کشنده گرفتار ساخت. کارشناسان و بازرسان سازمان بهداشت جهانی در اولین گزارش خود از بازدیدشان در ایران اعلام کردند: "وضعیت در ایران غیر قابل باور است و مشاهداتشان با آنچه که حکومت پیشتر اعلام کرده بود بسیار متفاوت است. آنها معتقدند جامعه جهانی باید بسرعت وارد عمل شود چرا که در ایران یک فاجعه نه ملی که بین المللی در حال وقوع است."

در رابطه با موضوع ویروس کرونا در ایران، سیاست و عملکرد رژیم در حق ملاحا و طلاب را نباید یک جابجایی بظاهر رایج یا یک سفر معمولی برآورد کرد و ساده از کنارش رد شد. سفرهای چهل سال اخیر این انگلهای مفتخور به زیباترین و مجلل ترین نقاط جهان هیچگاه بسان امروز توجه افکار عمومی جامعه ایران را بخود جلب ننموده است. ببینید یک بلائی طبیعی بنام کرونا ویروس، بخاطر وجود یک رژیم جاهل و نادان حاکم بر جامعه، چگونه بسوی یک فاجعه انسانی باور نکردنی در ایران سوق داده شد که تا این لحظه ترکشهای کوچک ناشی از آن به بعضی نقاط دیگر جهان نیز اصابت کرده که اگر متوقف نشود بسرعت جهانشمول خواهد شد. سیر روند تا کنونی ویروس (کووید ۱۹) در ایران، بخاطر برخورد و دخالتگری سیاسی رژیم جمهوری اسلامی در آن، بسرعت از یک بلائی طبیعی متداول و قابل پیشگیری به یک فاجعه انسانی مبدل گشته تا آنجا که افکار عمومی جهان را نیز نسبت به آن شگفت زده کرده است.

نقل مکان و جابجایی امروز ملاحا و طلاب دندانگ و لاشخور قم و جاهای دیگر را به مناطق و مکانهای امن تر و کم خطرتر ایران را باید از این منظر واقعی برانداز کرد. آری، این آزمون دیگری بود تا بشریت مترقی و آزادیخواه نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان بار دیگر اعمال و کردار اسلام سیاسی خوابانده شده در منجلاب کثیف و متعفن نظام سرمایه داری را با چشمان خود ببیند و آنرا برانداز کند. مردم ایران ظرف یکماه اخیر بیش از همیشه به اعمال و ماهیت کثیف



این رژیم پی برده و ابعاد شقاوت و بیرحمی آنرا را از نظر گذرانده اند و بر بستر آن ایجاد بهشت واقعی برای خودی ها و برپایی جهنم سوزان برای مردم را نیز با تمام وجود خود لمس و احساس کرده اند، که صرف همین مشاهده، به تنهایی حکم میکند که هرگونه ائتلاف وقت برای سرنگون کردن این رژیم جنایتکار، کاری بسیار خطا و

نابخشوندی است. باید به وضوح روی این نکته تأکید نمود که رژیم جمهوری اسلامی در برخورد به پدیده کرونا ویروس شکست خورده و بی ابروتر از همیشه بیرون آمد و بدینوسیله بی کفایتی و بی لیاقتی خود را تمام قد به مردم ایران و جهانیان نشان داد و با این کار گور واقعی خود را گودتر و بازهم فرورفته تر کرد. باید این را هم بخاطر سپرد که برخورد رژیم به پدیده کرونا ویروس، عمیقاً خلاف تمام عرف و عادت و اخلاق و موازین اجتماعی جامعه ایران و جهان بود، چون در این تنگنای اجتماعی و انسانی نیز کمافی سابق منافع طبقاتی خویش را رسماً و علناً به رخ مردم کشید و در کمال وقاحت و بیشرمی آنرا بر نابودی مردم ترجیح داد. جمهوری اسلامی در این رابطه نشان داد عنان گسیختگی و وحشیگری بخش منحصر به خود و جزء لایتجزای آن است. این رژیم، در ملاء عام یک بلائی طبیعی را به یک پدیده بخرنج و هلاک کننده تبدیل کرد و بی محابا بمردم دروغ گفت و بدینوسیله تا کون تعداد زیادی جان خود را از دست داده اند و حفظ سلامت جامعه و بطور مشخص جان هزاران انسان دیگر را نیز در معرض نابودی کامل قرار داده است.

چشم انداز این فاجعه به کدام سمت می‌رود؟ ایران امروز، ایران یکماه قبل نیست. چون همه معادلات بین مردم و رژیم کاملاً تغییر کرده و سر سوزنی اعتماد بین این دو نیروی مجزا از هم باقی نمانده است. مردم به هر گفتار و کردار رژیم بی باورند. نفرت مردم از رژیم آنقدر فزونی یافته که بلائی کرونا ویروس نسبت به آن در درجه دوم توجهات مردم قرار گرفته است. بی باوری مردم نسبت به رژیم، حد و مرزی باقی نگذاشته است. چون ثابت شده طی دو ماه اخیر نقش رژیم در برخورد به گسترش بیماری کرونا ویروس اساساً عاملی بوده و در بسط و توسعه آن نقش ایفا کرده است. تا جایی که به سد کردن شیوع کرونا برمیگردد، مردم جز توسل به جامعه جهانی و ایجاد همبستگی و همیاری میان خود، راه دیگری ندارند. در حال حاضر خلاف میل و اراده خود مردم همزمان دو نبرد سخت و دشوار (کرونا ویروس و جمهوری اسلامی) یقه مردم را گرفته اند و هیچ راه دیگری را برای برون رفت از آن باقی نگذاشته اند. در نتیجه، میان اینهمه درد و رنج گریبانگیر مردم، راه دیگر غیر از اتحاد، همکاری و هماهنگی عملی مردم با همدیگر باقی نمانده است. در حال حاضر هیچ راه دیگری غیر از همبستگی و همیاری مردم با همدیگر موجود نیست که مثمر ثمر واقع شود.

۵ مارس ۲۰۲۰

آخوندها و تجار دین را از محیط

زندگی تان بیرون کنید!

۸ مارس روز اعلام جنگ به جمهوری اسلامی!

۸ مارس لرزه بر اندام رژیم می اندازد. زیرا بخوبی نقش و جایگاه جنبش آزادی زن را می شناسد؛ نفرت زنان را با پوست و گوشت لمس کرده است. زن ستیزی و آپارتاید جنسی یک رکن مهم ماهیت این نظام است و حجاب بیرق آن. مبارزه علیه این ارکان هستی و نیستی آنرا به مصاف می طلبد. باید از این حربه بخوبی استفاده کنیم. فعالین جنبش آزادی زن باید یک ۸ مارس رادیکال و رزمنده را تدارک ببینند و سازمان دهند. فعالین چپ و کمونیست و آزادیخواه و برابری طلب باید برای تدارک این روز آستین ها را بالا بزنند.

فراخوان ما اینست که چهل و یک سال پس از آن اعتراض وسیع و رادیکال و دو سال پس از آغاز خیزش توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی، ۸ مارس را به یک روز بیاد ماندنی و تاریخی در حیات جمهوری اسلامی و در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه و انقلابی جامعه بدل کنیم!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۴ بهمن ۱۳۹۸ - ۱۳ فوریه ۲۰۲۰



جنبش آزادی زن طی چهل و یک سال اخیر یکی از دشمنان آشتی ناپذیر رژیم سرکوب اسلامی بوده است. چهل و یک سال نبرد با یک رژیم تا پوست و استخوان زن ستیز، قرون وسطایی و جنایتکار به این جنبش جایگاهی برجسته و مهم در معادلات سیاسی داده است. مسأله زن و جدال دائمی جنبش آزادی زن با رژیم اسلامی یک مسأله همیشه حاضر در عرصه سیاست جامعه است. یورش همیشگی به زنان برای تحمیل حجاب اسلامی، آپارتاید جنسی و بمنظور خانه نشین کردن زنان به یک رکن مهم سیاست سرکوب جمهوری اسلامی بدل شده است. اما علیرغم سرکوب خشن رژیم اسلامی موفق نشده است این جنبش را متلاشی کند و لذا برای مقابله با آن به ترفندهای سیاسی مختلف متوسل گشته است. این وظیفه به اصلاح طلبان حکومتی و بویژه فعالین زن این جریان سپرده شد. اما تلاشهای بیست ساله آنها نیز برای ایجاد دست انداز در مقابل پیشروی جنبش آزادی زن عملاً ناکام ماند.

طی دو سال اخیر که جنبش سرنگونی بوسعت کل جامعه به میدان آمده و مصافی تعیین کننده را به رژیم اسلامی تحمیل کرده است، جنبش آزادی زن نیز به جدال خود وسعت بخشیده و رادیکالیزه شده است. زنان چه بمثابة شهروند و عضوی از جنبش های اجتماعی مختلف و چه در دفاع از آزادی و برابری خویش با این نظام سرتاپا سرکوب و جنایت درحال نبرداند. نقش برجسته زنان در اعتراضات توده ای و در رهبری این اعتراضات بر سر زبان ها است. نقش زنان در رهبری اعتراضات بویژه در قیام آبان ماه بیش از پیش برجسته شد. و اکنون، در متن چنین شرایط سیاسی - اجتماعی است که به استقبال ۸ مارس می رویم. ۸ مارس روز جهانی آزادیخواهی و برابری طلبی است؛ یک روز مهم در حیات جنبش های آزادیخواهانه و برابری طلبانه نه تنها بین المللی، بلکه در ایران. چهل و یک سال پیش در روز ۸ مارس جنبش آزادی زن با سازماندهی یک اعتراض وسیع علیه جمهوری اسلامی و حجاب اسلامی و ایدئولوژی منحط و قوانین عقب مانده آن متولد شد. جنبش آزادی زن اولین اعتراض وسیع را علیه این نظام سازمان داد و علیه زن ستیزی و انحطاط و سرکوب آن اعلام جنگ نمود.

دو سال پس از خیزش عظیم سرنگونی طلبانه مردم و چند ماه پس از قیام آبان ماه باید ۸ مارس را به مصافی دیگر برای عقب راندن بیشتر رژیم اسلامی بدل کنیم. امسال ۸ مارس در شرایط متفاوتی برگزار می شود؛ شرایط متفاوت سیاسی، تغییر توازن قوای سیاسی - طبقاتی در جامعه باید در اعتراضات ۸ مارس ملحوظ و برجسته شود. باید بکوشیم مارش های وسیع علیه موجودیت رژیم زن ستیز اسلامی سازمان دهیم. باید در این روز در مقابل این نظام یک صف آرای رزمنده و رادیکال سازمان دهیم. در شهرهای مختلف، در دانشگاهها میتینگ و راهپیمایی برگزار کنیم. پرچم "آزادی زن، معیار آزادی جامعه است!"، "زنده باد آزادی و برابری زنان!"، "ستم بر زن موقوف!"، "نه به حجاب و آپارتاید جنسی!"، و "مرگ بر جمهوری اسلامی!" را به اهتزاز درآوریم.

فاجعه کرونا:

بازیابی سلامت جامعه اصل است!

گفتگو با رحمان حسین زاده

تلویزیون پرتو: تهدیدات ویروس کرونا در جهان و به ویژه در ایران ادامه دارد، نگرانیها عمیق است، شما و حزب حکمتیست تا چه اندازه این نگرانی را جدی میدانید و چه اقداماتی کردید؟

رحمان حسین زاده: مخاطره بسیار جدی است. از همان ابتدا که شیوع ویروس کرونا در چین اعلام شد، به همراه بشریت آگاه و امیدوار به زندگی در این نگرانی عمیقاً شریکیم. در کنار اندوه و رنج مردم مبتلا به این ویروس در سطح جهان و ایران بوده و هستیم. با خانواده و بستگان قربانیان و جانباختگان این ویروس کشنده همسرنوشتی و همدری خود را اعلام کرده ایم. علیه پنهانکاریهای دولت چین و به ویژه جمهوری اسلامی و سهل انگاریهای دولتها در مقابله با این ویروس و کوتاهی در جهت تامین سلامت زندگی و حیات انسانها که صورت گرفته، نفرت و انزجار خود را اعلام کردیم. این مساله پدیده نامطلوب و ویژه ای است. نقطه عزیمت ما و انسانیت نباید افتادن در دام محاسبه گریهای مصلحتی و سیاسی و حتی اقتصادی دولتها و جریانات ضد انسان، بلکه معطوف شدن به بازگرداندن سلامتی شهروندان جامعه باشد. قبل از هر چیز عرصه ای کاملاً تخصصی، پزشکی و علمی است. باید توقع داشت، و فشار گذاشت در سراسر جهان و در ایران نیز بیدریغ همه امکانات پزشکی و اقدامات علمی برای مقابله با این وضعیت بکار بیفتد. ما به سهم خود با اتکا به امکانات تبلیغی و تشکیلاتی در داخل و خارج در این راستا بر این محورها کوبیدیم: اولاً- توجه دادن مردم و مخاطبین مان به رعایت اکید رهنمودها و دستورالعملهای سازمان بهداشت جهانی و همه پزشکان و دلسوزان این عرصه در جهان و در ایران. در این راستا برای نشر این اقدامات پزشکی از همه امکانات مان استفاده کردیم. ثانیاً - پنهانکاریها و دغل بازیهای جمهوری اسلامی ضد مردم را افشا کردیم. علیه خرافات مذهبی تکثیر شده در این رابطه آگاهگری کردیم. مهمتر بر تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی در جهت تامین امکانات پزشکی و جاری کردن دیگر اقدامات مقابله با ویروس کرونا تاکید کردیم. ثالثاً بر همبستگی انسانی و همیاری انسانها با هم در این شرایط اصرار داریم. میدانیم با توجه به ویژگی پزشکی این مساله، امکان مرادده و تماس و تجمع مردم با هم باید به حداقل برسد، اما در این شرایط هم انسانها به همیاری به شیوه خلاقانه و مبتکرانه و کم ضرر احتیاج دارند. این را فعالین و پیشروان آگاه و نسل جوان مبتکر در هر محله و شهری میتوانند، با تلاش بالا و رعایت دستورات سلامتی و پزشکی سازمان دهند. ابتکارات اجتماعی و توده ای مناسب را بکار گیرند. در ادامه میتوانیم مشخص تر در این مورد صحبت کنیم. این جهت و اقداماتمان را از کانالهای تبلیغی حزب، تلویزیون، نشریات، اعلامیه ها و تراکتهای متعدد، جاری کردیم. مشخصاً فعالین کمونیست و آزادیخواه و فعالین حزب حکمتیست را در داخل کشور به همیاری و ابتکارات انسانی در راستای کمک به بازگرداندن سلامت به جامعه و شهروندان تشویق میکنیم.

تلویزیون پرتو: کارکرد جمهوری اسلامی و سرانش به ویژه خامنه ای و روحانی با نفرت بالا روبرو است. نظر شما در این رابطه چیست؟

رحمان حسین زاده: کارکرد جمهوری اسلامی همانطور که میدانستیم، نفرت انگیز و جنایتکارانه است. مسئول مستقیم شروع و شیوع ویروس کووید ۱۹ آن هم

در این ابعاد گسترده و نگران کننده در جامعه ایران هستند. سران جنایتکار جمهوری اسلامی با اطلاع از بروز و شیوع این ویروس در چین همانند بسیاری از کشورها، می بایست، تردد هوایی و آمد و رفت به چین را قطع میکردند. واضح است اینکار را به خاطر منفعت اقتصادی و سیاسی نکردند و این عامل انتقال این ویروس به ایران و مشخصاً شهر قم بوده است. در قدم بعدی در مورد شیوع این ویروس پنهانکاری کردند، تا مناسک ۲۲بهمن شان و بعداً مضحکه انتخابات را به قیمت تحمیل مرگ و بیماری انسانها پشت سر بگذارند. بعد از اطلاع، می بایست شهر قم و مکانهای دیگری که به مرکز وجود این ویروس تبدیل شده، قرنطینه کنند، اما طبق خزعبلات مذهبی از این کار هم سرباز زدند. تازه تعدادی از آخوندهای فسیل برای مقابله با این ویروس مزخرفات مذهبی را موعظه کردند. اکنون هم از اجرای مجموعه اقدامات موثر برای مقابله با این وضعیت سرباز زده و مشخصاً امکانات پزشکی و بهداشتی لازم برای حفاظت مردم وجود ندارد. اظهارات اولیه سرکرده جنایتکاران، خامنه ای که به عنوان "بیماری کذابی" مانع "کارناوال انتخاباتشان" از آن نام برد، اوج جنایت پیشگی و پوسیدگی طرز فکر مغز علیل این جانور را بازتاب داد. در کنارش روحانی به همان اندازه جنایت پیشه هم از "عادی بودن اوضاع و روال عادی" سوخت و ساز جامعه صحبت میکرد. اینها بار دیگر نشان دادند جانیانی هستند که زندگی و حیات مردم ایران را به بازی گرفته اند. برخلاف تصور رایج، کارکرد جمهوری اسلامی در این ماجرا صرفاً "بی مسئولیتی و سهل انگاری" مثل بعضی دولتهای دیگر نیست، بلکه بر اساس منفعتهای نظامشان، جنایات بزرگی را مرتکب شدند. پرونده جنایتشان در مساله ویروس کرونا، همانند جنایات دهه ۶۰ و قتل عامهای وسیع در زندان و بیرون زندان و قتل عام آبانماه ۹۸ به پرونده جنایتشان اضافه شده و در فردای پپروزیمان، خامنه ای و روحانی و رئیسی و سران سیاه و گله آخوند دست اندرکار باید به محاکمه کشیده شوند و از جمله تاوان ارتکاب به جنایت کرونا را پس دهند.

تلویزیون پرتو: خرافه مذهب در تشدید و گسترش فاجعه کرونا چگونه عمل کرده و در مقابلش چه باید کرد؟ برخوردهای عقب مانده و تفرقه های مذهبی و نژادی و ملی تا چه اندازه جای نگرانی است؟

رحمان حسین زاده: بالاتر به کارکرد ضد انسانی مذهب و اسلام اشاره کردم. اینکه خطر ویروسی را که جهان را تکان داده و صدمات انسانی آن فعلاً به پهنای جهان ادامه دارد و در خود ایران با سرعت زیاد هر روزه قربانی میگیرد و آنوقت خامنه ای جانی، آن را بیماری کذابی و ظاهراً "بی اهمیت" قلمداد کرد، گوشه ای از ماهیت ضد انسانی اسلام است. بعداً از قرنطینه شدن قم به خاطر "مناسک کثیف اسلامی" جلوگیری کردند و به سرمنشاء این بلا در کل ایران تبدیل شد. در مقابل این ویروس مثل دوران عصر حجر گله آخوند مردم را به دعا و جادو و پناه بردن به اماکن مذهبی و بوسیدن ستونهای این ضریح

فاجعه کرونا:

بازیابی سلامت جامعه اصل است ...

بخشی از آن چه در دوره سلطنت و چه در دوره جمهوری اسلامی مداوما تاکید کردیم، که اصلا چرا زندانی سیاسی وجود دارد؟ و همواره برای آزادی زندانیان سیاسی کوشیدیم و از دی ماه ۹۶ خواست آزادی زندانیان سیاسی به شعار مبارزاتی روز تبدیل شده است. در این شرایط هم فرض است که باید زندانیان سیاسی آزاد شوند و اکنون تعدادی از خانواده ها و مبارزین سیاسی بر آزادی زندانیان سیاسی اقداماتی را سازمان داده اند. در نتیجه باید دقت کرد، آن بخش از زندانیان که در این اوضاع نباید فراموش شوند، اتفاقا زندانیان عادی هستند! در مقابل خطر ویروس کرونا تقسیم بندی زندانیان سیاسی و عادی و ارجحیت دادن به آزادی دسته اول و غیر حساس بودن به سرنواشت دومی ها سیاست درست و اصولی و انسانی نیست. استدلال میشود در میان زندانیان عادی بزهکاران و قاتلان و غیره وجود دارند، اولاً این بخش در میان زندانیان عادی تعداد محدودی هستند. ثانیاً میشود در محل های حفاظت شده سالم و غیر آلوده و کمک گرفتن از بستگان آنها و دیگر ابتکارات برای نگهداریشان کمک گرفته شود. از نظر ما آنچه مهم است، تلاش جدی برای حفظ جان همه زندانیان در مقابل خطر ویروس کرونا است.

تلویزیون پرتو: این فضای نفرت از جمهوری اسلامی تا چه اندازه میتواند، به اعتراضات و اعتصاب عمومی منجر شود، چنین فراخوانهایی مطرح شده، نظر شما چیست؟

رحمان حسین زاده: تردیدی نیست نفرت و انزجار در مقابل کارکرد ضد انسانی جمهوری اسلامی در برخورد به همین فاجعه کرونا بسیار بالا است. اگر محدودیتهای ضروری دال بر پرهیز از تجمع و گردهمایی و تظاهرات و ... نبود، اگر اوضاع مثل شرایط وقوع زلزله و سیل بود، بی تردید شاهد تحرک مبارزاتی بالا به نظرم هم سطح آبناهم و دیماه ۹۸ می بودیم. منظورم اینست پتانسیل مبارزاتی بالا علیه جمهوری اسلامی در همین ماجرا هم تلنبار شده است و در فرصت مناسب علیه جمهوری اسلامی منفجر میشود. اینکه چرا اکنون سرریز نمیکند، دقیقا به شرایط ویژه و مختصات ویژه وقوع این فاجعه مربوط است. در شرایطی که اولین فاکتور مصون داشتن شهروندان جامعه از بلای این ویروس در گرو عدم تجمع و گردهمایی و قطع مراد طبعی انسانها است، در شرایطی که اولین دغدغه هر کس و ما رهایی فردی و جمعی انسانها از مرضی و حفظ سلامت فیزیکی آنها و تامین سلامتی انسانها است، هرکس و جریانی که فکر کند، فرصت تشدید "اعتراضات و تظاهراتهای بزرگ" است، در بهترین حالت سطحی اند و اگر چنین فراخوانهایی بدهند، زیادی غیر مسئولانه است. نقطه عزیمت کمونیسیم و حزب ما در این شرایط نه "سیاسی کاری"، بلکه فراخوانهای انسانی، اجتماعی و توجه دادن مردم به رعایت همه آن اقداماتی است که به حفظ سلامت انسانها منجر شود. چنین فراخوانهایی اساسا تخصصی و پزشکی و علمی است، که مراجع مربوطه و در راس آنها سازمان بهداشت جهانی و مراکز پزشکی مسئول و انساندوست ارائه میدهند و ما هم توجه مخاطبین خود را در داخل و خارج را به رعایت رهنمودهای این مراکز پزشکی جلب کردیم. یک جنبه دیگر واضح است تعطیلی مراکز کار، مدارس و دانشگاهها، ادارات و بسیاری موسسات در این دوره اتفاق افتاده و به سهم خود اجرای آن را فراخوان دادیم. اما این واقعه را نمیشود، "اعتصاب عمومی" نامید و چنین قالب سیاسی به آن داد. یاد آوری این مثال واقعی شاید به منظورم بیشتر کمک کند. شهر ۵۴ میلیونی صفحه ۹

و آن ضریح دعوت میکنند، تا آنجا که گریبان کسانی از خودشان را گرفت و اینبار فراری شدند. به این ترتیب خرافه را تولید کرده و به نوبه خودشان به گسترش این بیماری کمک کردند. نه فقط در جمهوری اسلامی در این رابطه حتی در کره جنوبی، یک سکت مذهبی منبع آغاز این ویروس بوده است. به این ترتیب که ابتدا این ویروس در میان آن سکت شیوع پیدا میکند. مدتی از سرباورهای خرافی مذهبی رئیس سکت مانع اطلاع رسانی به دولت و جامعه میشوند و نتیجتا به دیگر بخشهای جامعه سرایت پیدا میکند. اکنون دولت کره جنوبی مسئول آن سکت را دستگیر کرده و به درست به عنوان مجرم قرار است محاکمه و مجازات شود. در این واقعه به روشنی خرافه مذهب ضدیت خود را با علم و دانش و استانداردهای پزشکی و سلامتی انسان نشان داده است. مردم این را می بینند. به نظرم بر متن این ماجرا آزادیخواهان و ما کمونیستها موظفیم تعرضی همه جانبه به همه بنیادها و اثرات صنعت مذهب و اسلام را به منظور تضعیف قطعی این خرافه و جارو کردن آن از جامعه سازمان دهیم.

بر متن این فضای خرافی این روزها، تفرقه و عقب ماندگیهای دیگری علیه انسانها و کسانی که به این ویروس مبتلا شدند، بروز پیدا کرده است. در سطح جهان دیده شده، شهروندان چینی را تحقیر کردند. در خود ایران تفرقه بین مردم شهرها و انسانها بر اساس واگیر شدن به کرونا و غیر آن دامن زده شده، با تحریک عوامل جمهوری اسلامی در مواردی به در مانگاهها حمله شده است. انسانهای آگاه و پیشرو لازمست با چنین پدیده های عقب مانده ای مقابله کنند. انسانهای مبتلا به این بیماری به بیشترین حمایت و محبت نیازمندند. پزشکان و پرستاران و کارکنان بیمارستانها و در مانگاهها و همه کسانی که به نحوی از انحا با بیماران سروکار دارند و فداکارانه به یاریشان می شتابند، جای بیشترین قدرانی هستند.

تلویزیون پرتو: مساله جان زندانیان به طور ویژه ای با نگرانی روبرو است. چرا حزب حکمتیست بر آزادی کلیه زندانیان تاکید دارد. لطفا در این مورد بیشتر توضیح دهید؟

رحمان حسین زاده: لازم به گفتن نیست که زندان نا امن ترین و غیر بهداشتی ترین محیط، آن هم تحت حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی برای حیات انسانها است. هم اکنون خطر ویروس کووید ۱۹ بالای بامها و در فضای زندانهای جمهوری اسلامی میچرخد. ویروس زندانی سیاسی و عادی نمیشناسد و در صورت سرایت همه زندانیان با خطر مرگ روبرو هستند. بر این اساس در این وضعیت مشخص ما بر آزادی همه زندانیان اعم از سیاسی و عادی برای حفاظت از خطر ابتلا به این ویروس کشنده پافشاری میکنیم. فکر میکنیم در این مورد نباید وارد تقسیم بندی زندانیان شد. جنبش چپ و کمونیستی و ما هم به عنوان

یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکنی برای تمام افراد آماده به کار!

مشخصا آب و برق و غیره توسط دولت باید تامین شود.

فاجعه کرونا:

بازیابی سلامت جامعه اصل است ...

۴- علیرغم هر درجه فشار به جمهوری اسلامی و موظف کردنش به اقداماتی که باید انجام دهد، اما ضرورت همیاری مردمی بسیار ضروری است. با تشخیص محدودیتهای، اما خلاقانه فعالین و پیشروان دلسوز در میان مردم، رهبران و پیشروان کارگری و اجتماعی در سطح محله و شهر، جوانان پرشور با ابتکار و خلاقیت، شبکه های اجتماعی و نتی و اطلاع رسانی و همبستگی و تقویت همسرنوشتی را ایجاد کنند. تیم های مشخص کمک رسانی و یاری رسانی را در سطح محله و شهر را باید سازمان داد. این واقعیت که ضرورت مقابله با خطر این ویروس ارتباط از نزدیک را محدود کرده است، اما نه در حدی که چنان اتمیزه شویم، در کنار دستان و در همسایگی و در محله انسانها در تنهایی و بی امکاناتی دست و پابزنند و تلف شوند. همانطور که پزشکان و پرستاران و کارکنان در بیمارستانها و درمانگاهها فداکاری میکنند و به نجات انسانها کمک میکنند، با مهیا کردن امکانات و تجهیزات لازم چنین روحیه انسانی و همنوع دوستی را در محله و شهر و محل کار و هر جا ضرورت دارد، لازمست جاری و به آن عمل کنیم. براین مینا به همبستگی انسانی شایسته اوضاع پرمخاطره کنونی شکل دهیم.

بیشک مردم ایران این دوره سخت را پشت سر میگذارند. نفرت و انزجار جمع شده از کارکرد جمهوری اسلامی در ماجرای شیوع ویروس کرونا را به کل خشم مبارزاتی تلنبار شده ۴۱ ساله گذشته اضافه کرده و با پتانسیل مبارزاتی محکمتر و سازمانیافته تر به جان ویروس جمهوری اسلامی میافتیم و آن را سرنگون میکنیم.

"ووهان" چین نزدیک به یک ماه در قرنطینه کامل بسر برد. ساکنین عمدتا در منازل بودند و مدتها خیابانها سوت و کور بودند، در نتیجه آیا مجازیم به عنوان بزرگترین "اعتصاب عمومی" در آن شهر که توسط دولت چین سازماندهی شد، معرفی اش کنیم؟! آیا آنوقت خلط مبحث نخواهد بود؟ جریانی که تلاش برای اجرای قرنطینه شدن در محل کار و شهر و دانشگاه و بازار در سطح شهرها را با "اعتصاب" یکی میگیرد، علاوه بر سطحی گری، مغلظه میکند. معنا و مفهوم اعتصاب را به عنوان اهرم مبارزاتی لوٹ میکند. نقطه عزیمتش نه انسانیت و خلاصی انسانها از بلایی است که با آن دست پنجه نرم میکنند، بلکه بی توجه به شرایط مشخص در فکر "سیاسی کاری" فرقه ایست. ما با این نوع سیاست و حرکات تمایز جدی داریم. طبعاً در همین مساله یک بخش مهم فراخوان ما دعوت به همبستگی انسانی و همیاری مبتکرانه مردم در میان خود و با شیوه های ممکن در این شرایط مشخص است، در ادامه به آن میپردازیم.

تلویزیون پرتو: شما میگویید بازیابی سلامت شهروندان جامعه اصل است، در این رابطه در داخل و خارج چه باید کرد؟ نقش مردم و ابتکارات خود مردم چگونه خواهد بود؟

رحمان حسین زاده: باید از خود بیبرسیم، دغدغه اصلی فردی و جمعی انسانها و هر جریان سیاسی و اجتماعی و مدنی و دولتها در این دوره به شرطی که مسئولیت پذیری داشته باشند، چیست؟ پاسخش اینست که چگونه جامعه و شهروندان را از خطر ویروس کرونا برهانیم. چگونه به عبور دادن هر چه کم هزینه تر و کم صدمه تر در این ماجرا کمک کنیم. به این دلیل تاکید میکنم "بازیابی سلامت شهروندان جامعه اصل است". این باید قطب نمای حرکت باشد. بر این اساس در سطوح مختلف زیرباید اقدام کرد.

۱- رعایت اکید رهنمودهای پزشکی و علمی مقابله با ویروس کرونا. در این رابطه سازمان بهداشت جهانی و بسیاری مراجع پزشکی و تخصصی رهنمودهای ارزنده ای را وسیعاً منتشر کرده و به اطلاع جهانیان رسانده و ما هم به نوبه خود بر بکارگیری جدی آنها تاکید میگذاریم.

۲- جمهوری اسلامی را باید موظف کرد، امکانات پزشکی، بهداشتی رایگان را در دسترس شهروندان جامعه قرار دهد. سرویسهای کمک رسانی به مردم به شکل آنلاین و غیر آنلاین را در سطح شهرها و به ویژه در محلات فقیرنشین و بی بضاعت تضمین کند. شهرها، مکانها و اماکن وسیعاً مبتلا به این ویروس را قرنطینه کند.

۳- تردد و تجمع باید به حداقل برسد. مراکز کار، مدارس و دانشگاهها، ادارات، و بسیاری موسسات دیگر در جامعه باید تعطیل شود. سوخت و ساز اداره جامعه در حالت اورژانسی و حداقلی باشد. حقوق کارگران و مزدبگیران و کارکنان باید پرداخت شود. هزینه های اولیه زندگی و

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - HeKmatist

**8 March,
International Women's Day**

**8 March 2020,
a call for the
overthrow of
Islamic Republic!**

Iran 1979

کرونا چاقویی دو لبه!

آذر ماجدی

بلای کرونا یک بلای طبیعی است؛ (البته تا زمانیکه ثابت نشده است که انسان حال عمداً یا سهواً در اشاعه ویروس کرونا مقصر بوده است.) اما در ایران مقصر اصلی فاجعه ای که در حال وقوع است جمهوری اسلامی است. دروغ، پنهان کردن فاکت ها، عدم تامین وسایل ایمنی، عدم انجام اقدامات لازم برای ممانعت از گسترش ویروس، لاقیدی، بی توجهی و عدم احساس نره ای مسئولیت در قبال سلامت و جان شهروندان فاکتورهای تعیین کننده در ابعاد فاجعه ای است که جامعه با آن دست به گریبان است. هیچ حکومتی حتی حکومت های مستبد و فاسد تا این میزان در برابر خطرات و مصائب این ویروس یا شرایطی مشابه لاقید و جنایتکارانه رفتار نکرده اند. جمهوری اسلامی مسبب این فاجعه و مرگ ها و مصائب ناشی از آنست.

علیرغم اینکه شرایط به نقطه انفجار رسیده است؛ در شرایطی که سازمان بهداشت جهانی اوضاع ایران را بسیار خطیر و خطرناک اعلام کرده است؛ این رژیم هنوز لاقیدانه به این بحران برخورد میکند. هنوز هیچ شهری، حتی قم که گفته می شود منبع گسترش کرونا است، قرنطینه نشده اند. هنوز جامعه در کمبود ابتدائیات بهداشتی از قبیل ماسک و مواد ضد عفونی کننده قرار دارد. اخبار احتکار ماسک از طرف سپاه پاسداران در همه جا پخش شده است. حتی در این وضعیت وخیم این دزدان سرگردن در فکر دزدی و چاپیدن هستند. صف های طولانی مردم در مقابل داروخانه ها شاهد این شرایط اسفناک است.

هنوز شرکت هواپیمایی سپاه، ماهان، پروازهای خود را به چین کاملاً لغو نکرده است. بیمارستان ها ظرفیت پذیرش مبتلایان را ندارد و تاکنون چندین پزشک و پرستار جان خود را از دست داده اند. غسلخانه ها امکان آماده کردن اجساد برای خاکسپاری را دارا نیستند. تفاوت شرایط و امکانات جنایتکاران حکومتی با مردم عادی در شرایط ابتلا یا مظنون به ابتلا آنچنان متفاوت است که موضوع جوک مردم شده است.

زندان ها پر از زندانی است؛ حتی در شرایط متعارف چنین شرایطی در زندان ها بشدت غیرانسانی است؛ و حال با وجود یک ویروس کشنده که بشکلی تصاعدی رشد می کند، زندان ها آستن یک فاجعه غیرقابل تصوراند. پس از اعتراضات بسیار رژیم حکم آزادی موقت ۵۴ هزار زندانی را صادر کرد؛ اما هنوز مسئولین زندان ها از آزادی آنها سرباز می زنند. تاکنون چند زندانی جان خود را از دست داده اند.

این تمام تصویر نیست!

اما این فقط یک وجه از تصویر است. دردناک است. بشدت نگران کننده است. ترس و هراس از آینده جامعه را در بر گرفته است. اما این صرفاً یک وجه از تصویر است. اگر فیلمبرداری از شرایط جامعه فیلمی بگیرد، بسته به اینکه دوربین را کجا قرار میدهد و از چه زاویه

ای فیلم میگیرد تصاویر تغییر می کنند. زاویه دیگر تصویر تغییرات گسترده و عمیقی است که در مناسبات میان حکومت و مردم شکل گرفته است؛ تغییری است که در توازن قوای سیاسی رخ داده است؛ در پس لاقیدی و دعوت مردم به دعا خواندن و استفاده از "گل بنفشه" هراس رژیم را گرفته است. گنج و منگ شده است؛ کاملاً در هچل افتاده

است. پیش از برملا شدن فاجعه کرونا مردم رژیم را کاملاً به مصاف طلبیده بودند؛ علیرغم کشتار نزدیک به ۵ هزار انسان از کودک و نوجوان تا سالمند در آینامه مردم حتی یک سانتیمتر عقب نشستند؛ میتینگ های رادیکال و گسترده ۱۶ آذر؛ اجتماعات در دیماه؛ و سپس جنگیدن با رژیم در جبهه مضحکه انتخاباتی. در چنین فضایی از جنگ و مقابله جامعه وارد این شرایط وخیم شد.

عدم اطلاع رسانی و دروغ پراکنی رژیم برای از سر گذراندن ۲۲ بهمن و مضحکه انتخاباتی بود؛ اما نه تنها این دو رویداد به گل نشست؛ بلکه تمهیداتی که بکار بست اکنون گریبانش را گرفته است. درست است که این رژیم از مرگ یک میلیون انسان ککش هم نمی گذرد؛ اما آنچه مورد هراسش است تغییر رفتار مردم و تغییر مناسبات مردم با حکومت است. احدی برای این نظام تره خورد نمی کند؛ در روز روشن به سخره اش می گیرند؛ شخصیت ها و باصطلاح مقدسات اش را جوک می کنند و رژیم قادر به برخورد و واکنش نیست. یک نمونه بسیار گویا برنامه کمدی ای است که از تلویزیون قم پخش شد و خانواده حداد عادل یکی از گردن کلفت ترین و قلدرترین خانواده های حکومتی را مسخره کرد. تنها واکنشی که انجام گرفت رجوع به تویتر توسط آقازاده حداد عادل بود. اگر یک لحظه فراموش کنید که چه رژیمی در ایران در سر کار است، فکر می کنید در یک کشور دموکراسی غربی زندگی می کنید که کمترین ها قدرتمدارها را جوک می کنند و آنها نیز از طریق تویتر پاسخ می دهند.

شکستن علنی تابوهای "مقدس"

تحت فشار مردم و در هراس از عواقب فاجعه در حال وقوع، رژیم مجبور شد حرم معصومه را الکلیزه کند! در مخیله هیچکس نمی گنجید که رژیم اسلامی یک روز به این شرایط گرفتار آید. خود این اقدام در یک طرف و وفور جوک هایی که اسلام و خرافاتش را تکه پاره می کند در طرف دیگر. انسان از وفور جوک در مضیقه می افتد؛ طنز قوی، تیز و عمیق که بر تمام دستگاه خرافات اسلام و دین و خدا خراش می اندازد. واکنش رژیم در مقابل اینهمه سخره چه بوده است؟ هیچ. رویش را طرف دیگر کرده و به روی مبارکش هم نمی آورد. تنها اعتراضی که یکی از دایناسورهای از گور برخاسته حکومتی در برابر الکل پاشی به حرم معصومه کرد این بود که حرم تماماً از نقره خالص است و نیازی به الکل نیست! نه خدا، نه حضرت، نه پیغمبر! نقره! کوشید به خیال خود با توسل به شیمی از الکل پاشی ممانعت کند.

کارکنان بهداشت و غسلخانه در سطوح مختلف بدون هراس از دستگیری و عواقب آن ویدیو تهیه کرده اند و افشاکاری می کنند. اینها

کرونا چاقویی دو لبه ...

فقط نمونه های معدودی از پیشروی مردم و عقب نشاندن رژیم است. اما طبق ضرب المثل معروف: "مشت نمونه خروار است."

ایران یک جامعه مذهب زده است ولی مذهبی نیست!

شرایط قرمز جامعه حجاب بسیاری از ملاحظات امنیتی را کنار زد و روحیه و فضای واقعی حاکم در جامعه را آشکار کرد. ما بیش از دو دهه است که گفته ایم جامعه ایران یک جامعه مدرن است؛ اعلام کرده ایم که موج وسیعی از لامذهبی، ضدیت با اسلام و بی خدایی در ایران وجود دارد. گفته ایم که زمانیکه این حکومت منحوس را از بالای سر جامعه کنار بزنیم تمام این جنبش ها در ایران شکوفا میشوند. اما لازم نشد تا حکومت کامل کنار زده شود؛ عقب نشاندنش امواج را به ساحل رسانده است. طنز یکی از قوی ترین ابزار بیان است. و اکنون در این شرایط دردناک این طنزهای قوی و تیز جلوه های زیبایی تمدن بالا و مدرنیسم جامعه را به سطح آورده است.

جامعه ایران یک جامعه خرافی نیست. این حکومت اسلامی، جنبش ملی اسلامی و اپوزیسیون دست راستی است که با تمام قوا می کوشد یک روایت خرافات زده از مردم را به کرسی بنشانند. این جماعت از این تلاش یک منفعت سیاسی معین را دنبال می کنند. به این روایات نباید تسلیم شد. باید این هیاهوهای تو خالی را کنار زد و به عمق جامعه خیره شد؛ در شرایط کنونی مردم بی محابا حقایق سرکوب شده درونی شان را بروز می دهند. طنز تلخ اینجاست که چنین فاجعه ای موجب چنین تحول و تغییرات شده است.

میزان بالای همبستگی درون جامعه در این شرایط وخیم و خطیر نشانی دیگر از تمدن و فرهنگ بالای ترقیخواهانه در جامعه است. علیرغم خطر بسیار و وضعیت ناشناخته که در هر شرایطی بیم و ترس را بر فضا حاکم می کند؛ مردم فضای همبستگی و همیاری را پس از چند روز اول شوک در جامعه گسترش می دهند. بویژه جوانان با آگاهی و هوشمندانه دارند کنترل جامعه را به دست می گیرند. نمونه های متعددی از گرفتن امور بدست خود؛ درست کردن ماسک و توزیع رایگان آن میان مردم؛ شکل دادن به تیم های ضد عفونی کننده که می کوشند مکان های عمومی را ضد عفونی کنند؛ کمک به انسان های سالمند که امکان نگهداری از خود را ندارند، جلوه هایی ستودنی از فضای همبستگی و حاکم کردن کنترل شهروندی بر جامعه است. در این عرصه نیز مردم انقلابی و آزادیخواه جمهوری اسلامی را کنار زده اند و امور را بدست خود گرفته اند.

صحنه های رقص و شادی در بیمارستان ها توسط پرستاران جان بر کف که شبانه روز در حال مراقبت از بیماران هستند و زمان استراحت

را بر کف بیمارستان بسر می برند جلوه ای دیگر از این فرهنگ آزادیخواهانه، پیشرو و انسان دوستانه است. جالب ترین حرکت زمانی است که پس از خواندن دایناسورهای مفت خور عمامه بسر در بیمارستان، کادر پزشکی با رقص و آواز فضای مرگ زده و کسالت بار مذهبی را به یک فضای شاد و انسانی بدل می کنند.

نمونه ها بسیار است. ما از تمام آنها مطلع نیستیم. به یمن اینترنت و ابتکار نسل جوان پر شور صحنه هایی از این فضای همبستگی و انسان دوستی را مشاهده می کنیم. اما همین صحنه ها داستان های مفصل از حماسه ای که در ایران در شرف شکل گیری است بازگو می کند.

جامعه را نمی توان به عقب برد!

این مردم را دیگر نمی توان عقب راند. این جامعه را نمی توان به عقب کشاند. مردمی که قدرت خود را در شرایطی سخت آزموده اند و احساس کرده اند نمی توان به استیصال و ضعف کشاند. مردمی که کنترل خود را بر شهر و محل زیست شان حاکم کرده اند نمی توان به خانه ها بازگرداند. مردمی که در روز روشن و جلوی چشم همه و دوربین ها حکومت و قدرتمندان و ایدئولوژی و خرافات و مقدساتش را به سخره گرفته اند دیگر نمی توان خاموش کرد. روانشناسی جمعی تغییر کرده است. قدرت را در اوج ضعف و ترس چشیده اند و باین ترتیب درونی کرده اند. با یک ویروس ناشناخته و کشنده به جنگ بلند شده اند و از خود و هم شهری هایشان مراقبت کرده اند. این مردم آماده مقابله آهنین تر و محکمتر با حکومت جنایتکار و منحوس اند. و جمهوری اسلامی از همین واقعیت در هراس است. خود می داند که تمام لاقیدی ها و جنایات و خرافاتش دارد به صورتش پرتاب می شود.

جمهوری اسلامی را خارتر و خفیف تر کنیم!

حال که مردم، بویژه جوانان تا این نقطه پیشروی کرده اند باید فشار خویش را بر رژیم بیشتر کنیم. باید آنرا به مرگ بگیریم. آزادی کلیه زندانیان خواستی است که باید با تمام قوا بر آن پای فشرده. مجانی کردن آب و برق و گاز باید به رژیم تحمیل شود. تعطیلی تمام اماکن کار و پرداخت حقوق کارکنان یک خواست واقعی و مهم است که باید به کرسی بنشانیم. تامین یک محل امن برای تمام کارتن خواب ها و باصطلاح کودکان کار یک امر حیاتی دیگر برای تخفیف فاجعه است. باید این مطالبات را با صدای رسا و با تمام قوا به جمهوری اسلامی تحمیل کنیم. در این شرایط ضعف و گجی که ضمنا هر روز یکی دو نفر از دار و دسته جنایتکارش را نیز از دست می دهد می توانیم و باید خواست های بر حق مان را از حلقومش بدر آوریم.

این رژیم رفتنی است. خود می داند؛ مردم نیز می دانند. بیاییم این روزهای آخر را کوتاه تر کنیم. با خفت و خاری به زیرش بکشیم و جامعه را برای همیشه از این بختک سیاه و منحوس جنایت و شیادی خلاص کنیم.*

۵ مارس ۲۰۲۰

جنایت از سر "جنون"، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتا زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از عقل حاکم بر جامعه است.

منصور حکمت

در باره توافقنامه صلح میان آمریکا و طالبان

سعید یگانہ

بعد از ۱۸ ماه چانه زنی بالاخره توافقنامه صلحی ناپایدار میان نمایندگان آمریکا و طالبان در روز شنبه ۱۰ اسفند به امضا رسید. در این توافق طرف اصلی این جنگ یعنی دولت افغانستان حضور نداشته است اما مطابق آن قرار است که "مذاکره برای صلحی پایدار" میان دولت افغانستان و طالبان در همین ماه آغاز شود. زلمای خلیل زاد نماینده آمریکا در این مذاکرات اکنون در کابل مشغول چانه زنی برای مبادله زندانیان میان دولت و طالبان و آغاز مذاکره بین افغانستانی ها است. اشرف غنی رئیس جمهوری افغانستان تاکید کرده که دولت این کشور هیچ تعهدی برای آزادی زندانیان طالبان ندارد و این موضوع می تواند شامل گفت و گوها باشد و پس از ایجاد اعتماد عملی شود. کشورهای منطقه و خود دولت افغانستان بغیر از جمهوری اسلامی به علت حضور آمریکا، همه از این توافق استقبال کرده و آن را "قدمی جدی در راه صلح پایدار در افغانستان" نام برده اند. اما مردم، نیروهای مترقی و بخصوص جامعه زنان افغانستان از این توافق راضی نیستند و با نگرانی از حضور دوباره طالبان در آینده افغانستان این پروسه را دنبال می کنند.

مفاد توافقنامه، ضمانت طالبان به عدم استفاده از خاک افغانستان علیه امنیت نیروهای آمریکا و متحدین آن، خروج نیروهای خارجی از خاک افغانستان طی ۱۴ ماه آینده، آغاز مذاکره برای صلحی پایدار میان دولت افغانستان و طالبان، تعهد طالبان به مقابله با القاعده و داعش، مبادله اسرای زندانی میان دولت و طالبان و برداشتن تحریمها علیه طالبان تا آگوست ۲۰۲۰ شرط پیشرفت در مذاکرات عنوان شده است. آنچه در این توافقنامه کوچکترین اشاره ای به آن نشده و تماما غایب است، تضمین حقوق و آزادیهای مردم و بخصوص زنان افغانستان است که بشدت نگران از دست رفتن محدود آزادی و دستاوردهای ناچیزند که طی دو دهه گذشته با جانفشانی به دست آورده و به دولت اسلامی افغانستان تحمیل کرده اند.

"پروسه صلح" در افغانستان

"پروسه صلح" در افغانستان مثل همه مسائل بحرانی در منطقه نیز میدان رقابت بین آمریکا و روسیه در دوسه سال گذشته بوده و در این رابطه روسیه به منظور دخالت و ایجاد صلح در افغانستان در این مدت سه نشست را با شرکت نمایندگان کشورهای منطقه در مورد افغانستان میزبانی کرد که به نتیجه نرسید. به همین منظور روسیه رابطه خود را با دولت پاکستان از حامیان طالبان گسترش داده است. پس از شکست آخرین مذاکرات رسمی میان مقامات افغانستان و گروه طالبان در ژوئیه ۲۰۱۵، دولت افغانستان مذاکرات چهار جانبه ای را جهت گفتگوهای صلح با شرکت آمریکا، چین، افغانستان و پاکستان آغاز کرد. بعد از چند دوره گفتگوی این چند گروه با عدم حضور طالبان در این گفتگو و مذاکره مستقیم با دولت افغانستان، تلاش منطقه ای برای روند صلح در افغانستان به بن بست رسید و به دنبال آن بود که دولت روسیه از این خلاء استفاده کرده و به برگزاری چند نشست

در مسکو مبادرت ورزید که آنهم بی نتیجه ماند.



اکنون با امضای این توافق نامه فعلا آمریکا برنده این مسابقه در "پروسه صلح" در افغانستان در رقابت با روسیه است. یکی از وعده های انتخاباتی ترامپ خروج نیروهای امریکایی از خاک افغانستان بود. به این منظور امضای این توافقنامه میان آمریکا و طالبان، مقدمه خروج آمریکا از باتلاقی است که در آن گرفتار آمده است که هزینه آن را تاکنون مردم ستمدیده افغانستان پرداخته اند.

واقعیت این است که ادامه رویارویی دولت افغانستان با طالبان بدون حمایت نیروهای امریکایی و متحدین آن غیر قابل تصور است. از این جهت آمریکا مانند در افغانستان را به پروسه صلح با طالبان گره زده و به عنوان اهرم فشاری بر دولت افغانستان برای صلح با طالبان در دست گرفته است. مطابق مفاد توافقنامه، پروسه صلح پایدار بین افغانستانی ها قرار است تا ۱۴ ماه دیگر با وعده خروج نیروهای امریکایی از افغانستان به شرط پیشرفت در مذاکرات به پایان برسد، با این حال آمریکا و ناتو اعلام کرده اند در مقابل فشارهای طالبان کماکان در کنار دولت افغانستان خواهند ایستاد.

برنده اصلی این مسابقه تاکنون طالبان است و بازنده آن مردم افغانستان. با این توافق طالبان به عنوان یک نیروی معادله قدرت و نیروی شکست ناپذیر در افغانستان به رسمیت شناخته شده است. بعد از امضای توافقنامه سخنگوی طالبان این توافق را "پیروزی امارات اسلامی" عنوان کرد و اضافه کرد که صد سال پیش پدران ما انگلیسیها را از افغانستان بیرون کردند. سی سال پیش روس ها و اکنون ما موفق به اخراج نیروهای خارجی از خاک افغانستان می شویم. دو روز بعد از امضای این توافقنامه طالبان اعلام کرد که دوره کاهش خشونت به پایان رسیده و حملات خود را علیه نیروهای دولتی و مردم دوباره آغاز کرد.

مردم و پروسه صلح در افغانستان

شکی در این نیست که مردم افغانستان از جنگ و خونریزی خسته شده اند و خواهان صلح و آرامش و رفاه هستند. بعد از سرنگونی حکومت قرون وسطایی طالبان، نزدیک به دو دهه است که جنگ و خونریزی در افغانستان ادامه دارد و سالانه هزاران نفر قربانی و میلیونها نفر آواره این جنگ ارتجاعی و تحمیلی به دلیل رقابت و دخالت دولتهای مرجع منطقه و حمایت از مرتجعین طالبان به مردم افغانستان است. مردم افغانستان خواهان صلح و آرامش اند اما نه به هر قیمتی و قبول هر سناریویی. مردم میخواهند صلح به افغانستان بازگردد، اما مشکل اساسی اینجاست که پروسه این صلح در دست مردم متمدن، آزادیخواهان و گروهها و سازمانهای سکولار و مدرن در افغانستان نیست و کوچکترین دخالتی در آن ندارند و زنان به عنوان قربانیان اصلی سه دهه حاکمیت سپاه طالبان و دولت قومی - مذهبی افغانستان هیچ نقشی در این پروسه باصطلاح صلح ندارند. زنان هنوز نزدیک به دو دهه بعد از سقوط طالبان از کمترین آزادی و حقوق انسانی برخوردارند. هنوز زنان سکولار به عناوین مختلف مورد اذیت و آزار و کشتن و سوزانده می شوند. هنوز حکومت افغانستان میان قوم و طایفه تقسیم

در باره توافقنامه صلح

میان آمریکا و طالبان ...

تناقض و یک ناممکن است. بزرگترین نقص "پروسه صلح" در افغانستان خود حکومت قومی و مذهبی افغانستان است. آمریکا اهداف ارتجاعی خود را دنبال میکند و از ابتدا هم با طالبان مشکلی نداشت. طالبان محصول آمریکا در تقابل دوران جنگ سرد است و اگر واقعه یازده سپتامبر نبود، چه بسا طالبان هنوز در قدرت بود. این نیروهای دولتی و غیر دولتی خود صورت مسئله برای هر نوع صلحی در افغانستان هستند.

پروسه صلح در افغانستان بعد از یک جنگ طولانی و کارنامه این دولت قومی مذهبی، تنها میتواند با حضور و دخالت سازمانها و جریانات مترقی و سکولار و مدافع حقوق و برابری زن و مرد، با اعتراض توده ای مانند کشورهای منطقه و با نفی کل این ساختار طایفه ای ممکن شود. مردم افغانستان صلح و آرامش و آزادی و برابری و رفاه می خواهند. این حق مردم افغانستان است که یک زندگی آزاد و ایمن بدون تبعیض و نابرابری و بدون دخالت مذهب و قوانین مذهبی داشته باشند. نقش نسل جوان سکولار و پرتوقع افغانستان یکی از اهرمهای موثر رسیدن به این خواستههای پایه ای است. این توافقنامه تنها جنگ و جدال و بحران کنونی را حادثر میکند.

۵ مارس ۲۰۲۰

شده و به فرهنگ و شئون اسلامی متکی است. یک نسل از مردم افغانستان حاکمیت سیاه و قرون وسطایی طالبان را تجربه کرده اند. طالبان دولت افغانستان را به رسمیت نمی شناسد و خواهان دولت اسلامی مطابق شرع اسلام و داعیه قدرت در افغانستان است و این را رسماً اعلام کرده است. "پروسه صلح" در افغانستان اکنون از جانب دولت آمریکا و منطقه و خود دولت افغانستان، یعنی به رسمیت شناختن طالبان و شریک کردن آن در قدرت آینده افغانستان است.

از زاویه حقوق و آزادیهای مردم ستمدیده افغانستان، از زاویه حقوق و آزادی زنان در افغانستان نباید به پروسه این "صلح" و نتایج آن خوشبین بود. "پروسه صلح" در افغانستان تیغ دولبه است. ادامه جنگ و خونریزی در افغانستان برای مردم غیر قابل تحمل است و وضع را از شرایط کنونی وخیم تر میکند. امضای توافقنامه میان آمریکا و طالبان قدم اول و ناپایدار در پروسه موسوم به صلح و ادامه مذاکره بین دستجات دولتی و غیر دولتی برای "صلحی پایدار" در افغانستان پر از

درس امروز نجات جان است!

دانشگاه ها و مراکز آموزشی تعطیل!

زیر بار دستورالعمل غیر مسئولانه دولت و وزارت آموزش و پرورش نمی رویم. کلیه دانشگاه ها را تا رفع خطر و حصول اطمینان کامل تعطیل کنیم. کلیه مدارس از ابتدائی تا دبیرستان تا فائق آمدن به خطر شیوع کرونا تعطیل! خانواده ها حاضر نیستند با جان فرزندانشان و از این طریق با جان بقیه بازی کنند. وزارت آموزش و پرورش موظف است در این اوضاع سیستم تدریس و آموزش آنلاین را جایگزین حضور دانشجو و دانش آموز در مراکز آموزشی کند. مهمترین درس امروز جامعه نجات جان است! اول سلامتی بعد آموزش! بدون سلامتی آموزش معنی ندارد!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

فوراً و بدون تعلل زندانیان را آزاد کنید!

علیه قتل عمد دولتی و کشتاری دیگر!

زندان های رژیم مملو از زندانی اند. زندانها یکی از غیر بهداشتی ترین و خطرناک ترین اماکن شیوع کرونا است. زندانیان فوراً و بدون تعلل باید آزاد شوند. کلیه زندانیان باید تست شوند و مراتب آن با شفافیت اعلام شود. هر نوع تعلل در این زمینه، اقدام آگاهانه و عمدانه دولت به قتل عمد و کشتار جمعی است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

تامین حق سلامتی وظیفه دولت است!

بهداشت جسمی و روانی، طب رایگان و برخورداری از تست مرتب پزشکی یک امتیاز طبقات دارا نیست، جزو حقوق پایه شهروندان است. دسترسی به اطلاعات معتبر و علمی در باره سلامت حق شهروندان است. دادن اطلاعات مرتب به جامعه توسط کادر پزشکی یک تعهد شغلی و یک وظیفه انسانی و علمی است. هر نوع امنیتی کردن این مسئله توسط دولت یعنی ممانعت از حق دانستن و اطلاع از خطر جانی، یعنی ارتکاب عمدانه دولتی برای تهدید سلامت شهروندان. کور کردن ارائه اطلاعات علمی و مال اندوزی از طریق احتکار نیازهای اولیه بهداشتی مردم یک عمل جنایتکارانه است. دولت در قبال سلامت و بهداشت مردم مسئول است. وظیفه فوری دولت است که در وضعیت ویژه و بحرانی کنونی، بیبرنگ هرگونه خدمات پزشکی و داروئی را تماماً رایگان کند. سلامت و جان مردم نباید تجاری شود، جان قابل معامله نیست!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

علیه مذهب و خرافات!

قم این مرکز فساد، این تجارتخانه دین، این "دروازه بهشت"، مرکز انتشار ویروس و "جهنم" روی زمین شد. شیوع کرونا برای هزارمین بار نشان داد که خرافات مذهبی، امامان و بیوت دایناسورهای اسلامی، همه حجره‌های تجارت و تخدیر و جنایت هستند. آیت الله‌ها و آخوندها به بیمارستانهای مجلل و محیطهای خوش آب و هوا میروند اما مردم را به زیارت و خواندن دعا دعوت میکنند! ویروس کرونا در کنار وحشتی که آفرید در عین حال مذهب را در زمین خودش شکست داد. معلوم شد این همه بارگاه مذهبی و افسانه سرانی پیرامون آن پیشیزی ارزش ندارد و فقط دستگاه شیدای و کلاهبرداری است. به مساجد، زیارتگاه‌ها و نماز جمعه نروید! به سخنان جنایتکاران صنعت دین وقعی نگذارید! علیه خرافات مذهبی و توصیه‌های غیر علمی و غیر کارشناسانه بایستید! آخوندها و تجار دین را از محیط زندگی تان بیرون کنید! دستگاه دین و خرافات اسلامی بیشتر از کرونا برای سلامت و بهداشت جسمی و روانی شهروندان خطرناک است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
اسفند ۱۳۹۸

امروز یک همبستگی انسانی قدرتمند حیاتی است!

من، تو، ما مسئولیم!

کرونا تاثیرات چند جانبه داشته است. نگرانی و خشم تا استیصال و پانیک. مسئولیت اجتماعی و عبور دادن جامعه از بحران کنونی، حرف اول و آخر هر جنبش آزادیخواهانه در این شرایط است. مسئولیت امروز همه ما ایجاد یک همبستگی قدرتمند انسانی، گرفتن دست همدیگر، درک درد مشترک، اعمال فشار به دولت برای انجام اقدامات فوری و ضروری، گم نکردن قطب‌نمای حرکت و شناخت دشمن واقعی است. حمله به بیمار و قربانی ویروس، حمله به درمانگاه و بیمارستان اگرچه نشان استیصال است اما ارتجاعی و ضد انسانی است. مانند احتکار وسائل بهداشتی و سکوت دولت در ارائه اطلاعات کثیف و جنایتکارانه است. اقداماتی از این دست تنها به تخریب تمایلات انسانی، به تقویت محلی‌گری و ناسیونالیسم و فاشیسم، به نیروهای فوق ارتجاعی میدان میدهد. حمله به بیمار و بیمارستان و کادر پزشکی و اشاعه محلی‌گری، فقط به جمهوری اسلامی و بانیان این وضعیت خدمت میکند، به ارتجاع و فاشیسم نیرو میدهد و تا قتل عامهای دستجمعی یکقدم فاصله دارد. هوشیار باشیم، امروز جامعه در این شرایط ویژه، نیازمند یک همبستگی انسانی قدرتمند است. من، تو، ما مسئولیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
اسفند ۱۳۹۸

موج ترقیخواهی و انساندوستی مردم، روزه ای برای دیدن مناظر بزرگ!

در مقابل نمایش توحش فرهنگی اسلام و جمهوری اسلامی در قبال کرونا، مردم آزادیخواه ایران جلوه‌هایی از تمدن بالا و فرهنگ پیشرو را نشان دادند. جوانان آزادیخواه با روشهای ایمن به کمک سالخوردگان شتافتند. بسیاری مراسم عروسی و عزای عزیزانشان را لغو کردند. تعدادی در تقابل با کمبود وسائل بهداشتی با ابتکار دست به تهیه و توزیع ماسک مجانی زدند. کادر پزشکی و پرستاران تنها به فداکاری اکتفا نکردند بلکه با رقص و موزیک برای بردن امید به دنیای ناامیدی و دادن روحیه به بیماران سنگ تمام گذاشتند. بخشی از بوتیک‌ها و رستورانها برای تقابل با شیوع کرونا کارشان را تعطیل کردند. در سوشیال میدیا توصیه‌های بهداشتی، همدردی و همبستگی موج میزند. این ترقیخواهی و انساندوستی مردم آزادیخواه را باید ارج گذاشت. زنده و پرتوان باد نودوستی و مسئولیت اجتماعی! از روزه این تمدن بالای مردم میتوان به مناظر بزرگ و با شکوه آینده نگاه کرد!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
اسفند ۱۳۹۸

زنده باد روز جهانی زن

در ۸ مارس باید بر خواستههای فوری و پایه ای و نفی ارتجاع و آپارتاید و بیحقوقی زن تاکید کرد. در این روز باید سرمایه داری را بعنوان مسبب تمام مشقات انسان امروز به محاکمه کشید و برای سرنگونی آن فراخوان داد. نظامی که انسانها را با مذهب و ناسیونالیسم و قوم پرستی و جنسیت و "بومی" و "خارجی" و "اقلیت" و "اکثریت" و غیره قصابی میکند، از این تقسیمات کاذب ذینفع است. کمونیسم علیه این تقسیمات کاذب است. کمونیسم برخلاف سرمایه داری منفعتی در این تقسیمات و هویت‌های کاذب ندارد. برای کمونیسم کارگری، جنبش آزادی زن یک رکن جنبش سوسیالیستی است. اگر برای بورژوازی فرودستی زن یک رکن انباشت سرمایه است، برای کمونیسم کارگری آزادی زن یک رکن اساسی آزادی جامعه است. بشریت کارگری که برای آزادی جامعه برمیخیزد، ناچار است بعنوان بشریت آزاد از هرگونه تبعیض و نابرابری برخیزد، و به همین اعتبار، ناگزیر است ریشه‌های کل تبعیض و نابرابری و زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن را درهم بکوبد.

متحد و متشکل علیه فقر و دستمزد زیر خط فقر به میدان آییم!

تنها تشکل واقعی کارگری، مرجع تعیین دستمزد شایسته زندگی است!

جامعه ابعاد وسیع و متنوع مبارزه علیه تبعیض و فقر و گرانی و بیکاری و شرایط سخت معیشتی و حاکمیت جمهوری اسلامی به میدان آمده است، برای این اساس طبقه کارگر و پیشروان آگاه آن، مبارزات گسترده تر و سد محکمتری در مقابل تعرضات معیشتی و سیاسی جمهوری اسلامی و تصمیمات و ترفندهای شورابعالی کار را در دستور کار قرار میدهند. مبارزه برای افزایش دستمزد همواره بخش مهمی از مبارزه کارگر برای بهبود شرایط زندگی بوده و هست. همواره برای تحمیل دستمزد مناسبتر به سرمایه داران باید قاطعانه و سازمانیافته عمل کرد. اکنون مبارزه علیه "دستمزد" زیر خط فقر و برای گرفتن دستمزدهای معوقه و افزایش دستمزد نه تنها به هم گره خورده، بلکه خود بخش لاینفک مبارزه وسیعتر علیه فقر و گرانی و وضع موجود است. این عرصه های مبارزاتی عملاً بخشی از نبرد و مبارزه همه جانبه ای هستند که از دی ماه ۹۶ با شعارهای کوبنده علیه تبعیض و فقر و از آبانماه ۹۸ با نبردهای تعرضی علیه "گرانی" ابعاد بسیار وسیع اجتماعی به خود گرفته است. در شرایط حساس و تناسب قوای مساعدتر امسال، جنبش کارگری و رهبران رادیکال و آگاه آن، مقابله با دستمزد زیر خط فقر را به مثابه بخشی از مبارزه وسیعتر و موثرتر علیه فقر و گرانی و بیکاری، میخوانند و لازمست به پیش ببرند. برای تامین دستمزد شایسته زندگی انسانی و جوابگوی نیازهای رفاهی خانواده های کارگری و کلیه شهروندان کارکن و مزدبگیر، بازنشستگان، بیکاران، آسیب دیدگان و کلیه شهروندان آماده بکار تلاش جدی در دستور کار بگذارند. برای تحقق چنین پلاتفرمی، ابزار موثر آن یعنی تشکل توده ای کارگری و اتحاد موثر کارگری را سازمان دهند. بدون اتکا به تشکل توده ای و به ویژه مجامع عمومی و شوراها در مراکز و رشته های کارگری، در میان کارگران شاغل و بیکار پیشروی جدی در مبارزه علیه تبعیض و فقر و گرانی و علیه دستمزد زیر خط فقر به سختی و به کندی ممکن است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، کارگران را به اعتراض گسترده و سراسری و متحدانه علیه زندگی و دستمزد زیر خط فقر، علیه تبعیض و فقر و گرانی و بیکاری، فرامیخواند. تردیدی نیست جنبش علیه فقر و فلاکت اقتصادی بسرعت مجدداً قد علم میکند و طبقه کارگر در راس و پیشاپیش این جنبش پرچم نفی حاکمیت استبداد و استثمار و تامین آزادی و برابری و رفاه همگانی را در دست دارد. اعتراض و مبارزه علیه "دستمزد" زیر خط فقر و برای افزایش دستمزدها بخش تفکیک ناپذیر چنین مبارزه ای است. برای تامین پیشروی و پیروزی این جنبش، تشکل توده ای مبارزه مان را بنیاد نهیم. مجامع عمومی و شوراهای کارگری را در مراکز و رشته های کارگری بسازیم. رابطه متحدانه و همگامی موثر رهبران و فعالین کارگری بخشهای مختلف جنبش کارگری را تامین کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۹ - فوریه ۲۰۲۰

آنچه هر ساله نهاد عمیقاً ضد کارگری "شورابعالی کار" سرمایه داران و جمهوری اسلامی به نام پروسه "تعیین و افزایش دستمزد" برگزار میکند، نه پروسه ای برای افزایش دستمزد، بلکه خیمه شب بازی سبانه برای رسمیت دادن به کاهش واقعی دستمزد و کاهش قدرت خرید کارگران است. هر سال نسبت به سال قبلتر چندرغاز مقرری ناچیز تعیین شده تحت نام گمراه کننده "دستمزد" بیشتر و بیشتر چند بار زیر خط فقر اعلام میشود. در واقع این "افزایش دستمزد" نیست، شعبده بازی "کاهش واقعی دستمزد" است. هر ساله و امسال قاطعتر از هر دوره ای کل این بساط نفرت انگیز از جانب جنبش کارگری و رهبران آگاه آن، لازمست مردود و طرد و رسوا شود. واضح است سرمایه داران و دولتهایشان سطح دستمزد را نه براساس نیازهای یک زندگی انسانی و مرفه برای طبقه ما بلکه بر مبنای سطح معیشتی تعیین خواهند کرد که آنقدر بخوریم که نمیریم، نسل مان منقرض نشود تا بتوانیم باز کار کنیم و کارمان برای سرمایه سود بیافریند و سرمایه بتواند انباشت کند. این قانون تعیین حداقل دستمزد در نظام استثمارگر و ضدکارگری سرمایه داری در سراسر جهان است. اما در نظامهای سرمایه داری استبدادی متکی به کار ارزان، و به ویژه در حاکمیت اسلامی سرمایه اوضاع به مراتب بدتر و شبیه تر به دوران اولیه بردگی انسان کارکن است. جمهوری اسلامی در ۴۱ سال عمر ننگینش، همواره ابتدایی ترین حقوق کارگران را پایمال کرده، از جمله حق تشکل و اعتصاب، ابزارهای مهم مبارزه کارگران برای بیرون کشیدن حقوقشان از حلقوم سرمایه داران را ممنوع کرده، با ترفند ضد انسانی دستمزدهای معوقه تا مرز ۲۴ ماه طبقه کارگر را زیر شدیدترین فشار قرار داده، اهرم لشکر بیکاری میلیونی فاقد بیمه بیکاری را بالای سر کارگر شاغل نگه داشته، با میلیونها کارگر قرارداد موقت و فصلی و سفید امضای بی تامین رها شده روبرو هستیم که حتی تحت پوشش همین نرخ "مقرری" تعیین شده قلابی هم نیستند. معلومست در چنین شرایط و تناسب قوایی آنچه از آستین "شورابعالی کار" هر سال و امسال هم بیرون میزند، حاصلی جز تقلای عمیقاً ضد انسانی برای تحمیل تباهی بیشتر به زندگی خانواده کارگری، با عنوان پرطمطراق "افزایش دستمزد" نیست. هیچگاه نماینده کارگران و تشکلهای کارگری در پروسه جاری به اصطلاح "تعیین دستمزد" نقشی نداشته و همواره علیه تصمیم نفرت انگیز نهاد دولتی، کارفرمایی شورابعالی کار جمهوری اسلامی بوده و در شرایط مساعدتر مبارزاتی امسال تصمیم ضد کارگريشان لازمست برسرشان کوبیده شود. به علاوه نمایندگان دولت جمهوری اسلامی و کارفرمایان در شورابعالی کار، و کسانی که به نام "نماینده کارگر" عمدتاً از جانب خانه کارگر و شوراهای اسلامی در این بساط شرکت دارند، همگی جنایتکارانی هستند که روز روشن و بعد از دهها به اصطلاح جلسه، بالا و پایین کردن آمارهای جعلی و قلابی "تورم و سبب معیشت" خم به ابرو نیاورده و قیحانه و در کمال خونسردی بر روی زندگی و معیشت طبقه کارگر تیغ میکشند. اینها جانیانی هستند که در فردای پیروزی کارگران و مردم باید تاوان اقدامات جنایتکارانه و ضد کارگريشان را پس بدهند.

مبارزه متحدانه علیه فقر و دستمزدهای برده وار به هم گره خورده است!

امسال و به دنبال تجربه اعتصابات و اعتراضات کارگری وسیع، به دنبال نبردهای درخشان توده ای آبانماه و ۱۶ آذر و دی ماه ۹۸، در شرایطی که

آزادی، برابری، رفاه!

مرزها، ناسیونالیسم، حقوق انسانی

مرزها را باز کنید، این زمین به همه تعلق دارد!

سیاوش دانشور

صدها پناهجو بخشا همراه با خانواده و کودکان در مرز یونان و ترکیه آواره شده اند. دولت ترکیه با هدف باجگیری و اعمال فشار به اروپا، بمدت سه روز اجازه داد پناهجویان به مرزها بروند. دولت اردوغان برای این بازی کثیف و مودبانه حتی سرویس مجانی برای انتقال پناهجویان فراهم کرد. متقابلاً کشورهای بلغارستان و یونان با تقویت نیروهای مرزبانی از ورود پناهجویانی که در جستجوی یک جای امن در این دنیای ناامن هستند، ممانعت کردند. نیروهای نظامی در مرز یونان با شلیک گاز اشک آور و بنا به اخباری گلوله پلاستیکی مانع عبور پناهجویان شدند. پناهجوی بی پناه و تنها در بیابانهای مرزی وسیله ای جز سنگ پراکنی در مقابل گاز اشک آور و گلوله و آتش روشن کردن برای گرم کردن بدن و جان یخ زده و ناامید خود ندارد. پناهجویانی که قربانیان جنگ، ناامنی، بیکاری، سرکوب و تبعیض همین دولتهای امروز منطقه هستند، به وسیله رقابت و باجگیری جریانات اولترا راست و فاشیست بدل شده اند.

متأسفانه دنیای امروز حیاط و فضای آزاد و کوچه و پس کوچه ندارد. اگر منزل شما آتش بگیرد نمیتوانید به جایی دیگر برای نجات جانتان بروید. بورژوازی همه چیز را از زمین و هوا و فضا تصاحب کرده است و مهر و نشان ملی و ناسیونالیسم بر آن کوبیده است. آب و خاکی که امتداد هم و بطور طبیعی غیر قابل تفکیک است، مصنوعاً با سیمهای خاردار و دیوارها و مرزها تفکیک شده اند. تفکیکی که تاریخی از جدال و خونریزی برای تعیین این حیاط خلوت قدرت بورژواها را پشت سر دارد. آنچه در این میان اهمیتی ندارد هویت عام و حقوق یونیورسال انسانهایی است که برخلاف میل و انتخاب خود در این یا آن گوشه این کره خاکی چشم به جهان گشوده اند و داغ لعنت این یا آن مذهب و ملت بر پیشانی شان کوبیده شده است.



صف آزادخواهی و انساندوستی، صف کمونیستهایی که همواره خود را در تقابل با این تقسیمات ملی و ناسیونالیستی و منافع مترتب به آن دانسته اند، جنبشی که همواره علیه ایجاد محدودیتهای و مرزها و منافع بورژواهای متفرقه بوده، جنبشی که از آزادی سفر و حق انتخاب دفاع کرده و هیچکس را "بیگانه" و "غریبه" نمیداند، جنبشی که برای جهانی بدون مرز و آزاد و برابر تلاش میکند، موظف است از حقوق پناهجویان دفاع کند. پناهجو محصول جنگ و رقابت و کارکرد کشوری و منطقه ای و جهانی بورژوازی است. مادام که دنیا هنوز از زخم مرزها و دیوارها و تعفن ناسیونالیسم رنج میبرد، بورژوازی موظف است مسئولیت نتایج عملکرد خویش را بپذیرد. بستن مرزها به روی قربانیان و آوارگان جنایت است. سیاست ارتجاعی دولتهای ترکیه و یونان را محکوم کنید. از جان این پناهجویان دفاع کنید. این انحصار بورژوازی و ناسیونالیسم، این نژادپرستی و خودپرستی و خودمحوری را نباید برسمیت شناخت. مرزها را باز کنید، هیچ انسانی بیگانه نیست، این زمین به همه تعلق دارد!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفاً کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!